

متن پرسش

بسمه تعالی بازخوانی هویت دینی و ملی محضر باطراوت استاد سلام علیکم: کتاب جایگاه رزقتان را دو بار خوانده ام ولی متاسفانه حس می‌کنم این کتاب نیاز به بازنگری و ویرایش جدی و اساسی دارد امید است همانگونه که در کتاب فرزندم چنین باید بود بازنگری و ویرایش اساسی انجام شد این کتاب پر ابهام جایگاه رزق هم مورد عنایت مجدد استاد قرار بگیرد. باشد که در فضای روزی زدگی حاکم بر بشر امروز راهگشای انسانهای آزاده باشد. من برای تبیین ابهامات خود به سوالات سایت رجوع کردم اما متاسفانه در پاسخ های شما نوعی انفعال و تردید در موضوع رزق می‌بینم گویا خود شما نیز همچنان در این موضوع ابهاماتی دارید. با موشکافی دقیق به این ابهامات می‌پردازم و تمنا دارم استاد نیز با حوصله ای فراتر از سایر سوالات سایت تامل نموده و پاسخ فرمایید. تشکر ۱. شما مکررا جمله ای را می‌فرمایید که «در هر حال رزق مقسوم انسان به او می‌رسد» اما در جواب سوال ۳۰۷۹۹ در قسمتی از پاسخ فرموده اید: (البته در بعضی موارد عده ای رزق جوانان را می‌قاپند) جسارتا و واقعا اگر این در پاسخ های شما نوعی تناقض آشکار نیست پس چیست؟ بالاخره رزق مقسوم (در هر حال) می‌رسد یا عده ای می‌توانند آن را بقاپند؟ ۲. اگر ما در قرآن کریم آیه ای با این صراحت داریم که «اگر شکر کنید بر آن می‌افزاییم» و یا دستورات ائمه برای افزایش رزق را داریم پس چرا در جواب سوال ۲۸۷۳۱ می‌فرمایید: «بعضی را اگر زندگی همراه با رزق محدود بدهد، کافر می‌شوند و بعضی برعکس» چرا این گونه جواب می‌فرمایید که این فکر مسموم در ذهن برخی شکل بگیرد که فقر مقدر الهی است و کاری برای رفع آن نمی‌توانند انجام دهند. آیا این گونه جملات شما به شکل گیری تفکر افراطی در موضوع جبر و اختیار دامن نمی‌زند؟ ۳. وقتی شما در پاسخ سوال ۲۹۵۶۹ صراحتا می‌فرمایید «ریشه‌ی هر قحطی، قحطی‌زدگی است و غفلت از سعه‌ی رحمت الهی» پس دیگر پاسخ شما در ۲۸۷۳۱ که می‌فرمایید: «بعضی را اگر زندگی همراه با رزق محدود بدهد، کافر می‌شوند و بعضی برعکس» چه معنا دارد؟ اگر ریشه قحطی را قحطی‌زدگی بشر می‌دانید پس دیگر وارد کردن مقدرات خداوند چه معنا دارد؟ ۴. شما در پاسخ به سوال ۲۲۵۶۹ که در رابطه با قحطی یکصد سال پیش ایران که ناشی از سیاست انگلستان و بی‌عرضگی شاهان بود جواب داده اید که «از طرف دیگر وسیله‌ای شده‌اند تا با مرگ خود آن‌هایی که باید از نظر بی‌مسئولیتی شناخته شوند، مشخص گردند» آیا این از عدل و حکمت خدای متعال به دور نیست تا عده ای با گرسنگی و اثرات ناشی از آن که مرگ است از نعمت حیات و به فعلیت رساندن استعداد های خود در این حیات زمینی محروم شوند تا صرفا عده ای ظالم شناخته شوند؟ آیا اساسا این جواب شما در فضای تفکر دینی مطرح شده یا برداشت شخص جنابتان

است؟ ۵. از طرفی در پاسخ ۲۲۵۵۹ می‌فرمایید: «خالق عالم و خالق همه‌ی مخلوقات، خدایی است که هیچ‌چیزی مانع رزاقیت آن نمی‌شود» از طرفی در پاسخ ۱۹۸۳۶ می‌فرمایید: «به قول مرحوم دکتر علی شریعتی آری! خداوند رزق هرکس را تعیین کرده است ولی باید ببیند که چه کسی از او قاپیده است؟ و یا چه کسی می‌خواهد از او بقاید؟» بالاخره هیچ چیز مانع رزاقیت خدا نمی‌شود یا انسانهای ظالم مانع رزاقیت خدا می‌شوند؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله دقت خوبی در موضوع داشته‌اید. ولی عنایت بفرمایید که در رجوع به روایات، بعضاً امام با توجه به محدودیت سؤال‌کننده جواب داده‌اند و بعضاً مبنایی از سنت رزاق بودن خداوند را در نظر دارند و در این رابطه خوب است که ما نیز به روایات رجوع داشته باشیم. آری!

۱. مقسوم‌بودن رزق به این معناست که هرکس تلاش عادی خود را انجام دهد به آن می‌رسد ولی به این معنا نیست که کسی نتواند در آن رزق تصرف کند و از آن طرف وقتی انسان متوجه باشد رزق، مقسوم است می‌داند که راهی برای برگرداندن رزق مقسوم‌شده هست و لذا تلاش می‌کند تا آن را برگرداند. ۲. رزق، مقدر شده نه آن که فقر، مقدر شده باشد. به آیه «اللَّهُ يَنْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ يَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» در این مورد توجه شود، خوب است که محدودکردن رزق در مقابل بسط آن، فقر به حساب نمی‌آید. ۳. قحطی‌زدگی که بعضی جوامع گرفتار آن می‌شوند به جهت آن است که نگرانند نکند رزق مقسوم به آن‌ها نرسد و تأکید بر مقسوم‌بودن رزق، چنین جوامعی را مدد می‌رساند. ۴. مگر تن به ظلم دادن که مذموم است، همین نیست که انسان راضی به محرومیت‌هایی که توسط ظالمان می‌شود، نگردد؟ ۵. آری! از طرف خدا رزق، مقدر و مقسوم است ولی اگر بنده تن به ظلم بدهد و کسی رزق او را بقاید، مقسوم‌بودن رزق منتفی نیست. با تشکر از دقت‌هایی که در این مورد داشتید. موفق باشید